



جلوه ای از رحمت الهی در وقت مرگ / وجه دیوانه محشورشدن رباخوار

آیت الله جوادی آملی درباره علت دیوانه محشورشدن رباخوار گفت: بعضی از رباخواران می‌گویند ما پولمان را اجاره دادیم! کسی که اندیشه‌اش این است

آیت الله جوادی آملی درباره علت دیوانه محشورشدن رباخوار گفت: بعضی از رباخواران می‌گویند ما پولمان را اجاره دادیم! کسی که اندیشه‌اش این است در برابر خدای سبحان می‌گوید من همان طوری که خانه را اجاره می‌دهم پولم را اجاره می‌دهم این مخبط است و این خبطش در قیامت ظهور می‌کند.

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیات 166 و 167 بقره إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كُنَّا نَدْرِي مَا كُنَّا فَعَلْنَا لَنُدَّخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ مِّنْ الدَّارِ الْآخِرَةِ بِمَا كُنَّا نَعْمَلُ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ الدَّارِ الْأُولَىٰ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و دربارۀ مرگ گفت: بعضیها خواستند بگویند که از این آیات استفاده می‌شود که تا جهنم هست عذاب هست و اما اگر جهنم و اهل جهنم از بین رفتند از باب سالبه به انتفای موضوع دیگر خلودی نیست؛ ولی باید گفت جهنم از بین نمی‌رود و ارواح کفار مرگ ندارند، چون مرگ مرده است، شیطان و ذریه شیطان که وقود نارند مرگ ندارند. زوال و نابودی در دنیاست، وگرنه جهنم که دار آخرت است، دارالقرار است. اگر فرض بشود که آنجا هم بعد از چند سال رخت برپندند آن هم می‌شود دارالمور نه دارالقرار، آن هم مثل دنیاست. اگر موجوداتی در نشئه‌ای چند صباح باشند بعد رخت برپندند آنکه دیگر دار قرار نیست! ...

عدم تخفیف عذاب کافران جهنمی

وی در ادامه تصریح کرد: در سوره مبارکه «فاطر» آیه 36 این است که والذین کفروا لهم نار جهنم لا یقضي علیهم فیموتوا و لا یخفف عنهم من عذابها؛ نه قضای الهی می‌آید که اینها از بین بروند (که اجل مقضی داشته باشد خدای سبحان در آنجا) فرمود: لا یقضي علیهم، چون قضی اجلاً و أجل مسمیً عنده اجل در نشئه دنیاست، در جهنم لا یقضي علیهم مرگ نیست والذین کفروا لهم نار جهنم لا یقضي علیهم؛ بر آنها مرگ قضا نمی‌شود (حکم نمی‌شود). ظاهر آیه این است که جهنمی‌ها نمی‌میرند، نه جهنمی‌ها مادامی که جهنم وجود دارد نمی‌میرند، ظاهرش این است لا یقضي علیهم، پس اینها همیشه زنده هستند، حالا که زنده‌اند از تخفیف الهی برخوردارند یا نه؟

صاحب تفسیر تسنیم افزود: فرمود: نه، برای اینکه و لا یخفف عنهم من عذابها كذلك نجزي كل كفور * و هم یصطرخون فیها ربنا أخرجنا نعمل صالحا غیر الذي كنا نعمل أولم نعلمک انما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر؛ اینها صراخ و ناله دارند که ما را از جهنم بیرون بیاور می‌گویند ما را بمیران: یا مالک لیقض علینا ربک، جوابش این است که لا یقضي علیهم. آن روز هم یک آدم لجوجی‌اند، به این سرپرستان جهنم می‌گویند به خدایت بگو که جان ما را بگیرد؛ (دیگر نمی‌گویند خدایا «اقض علینا») می‌گویند: یا مالک لیقض علینا ربک، اینها آن لجوجهایی هستند که در جهنم هم نمی‌گویند «ربنا»، به سرپرست جهنم که مالک (س) است می‌گویند: یا مالک لیقض علینا ربک؛ نه «ربنا».

وی تصریح کرد: گاهی که شدت عذاب را دیدند یا آن نفاق درونی‌شان ظهور کرده است؛ یا گروهی دیگری از آنها می‌گویند: ربنا أخرجنا نعمل صالحا غیر الذي كنا نعمل؛ ما را برگردان به دنیا تا کار خیر انجام بدهیم غیر از آن روش باطلی که داشتیم، آنگاه جوابی که می‌شنوند این است: أو لم نعلمک ما یتذکر فیہ من تذکر؛ مگر ما عمر طولانی به شما ندادیم که برای تذکر کافی باشد؟ [مگر] مهلت فراوان ندادیم که برای تذکر کافی باشد؟ دهها بار زمینه تذکر فراهم شد متذکر نشدید، عمر طولانی هم که به شما دادیم. شما همانید که اگر برگردید همان بودید که لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه - که این [آیه سوره «فاطر»] تقریباً مسامح آیه سوره «انعام» است - فرمود: او لم نعلمک ما یتذکر فیہ من تذکر و جاءکم النذیر؛ آنها آمدند به شما اعلام خطر کردند فذوقوا فما للظالمین من نصیر. بنابراین مرگ برای جهنمی‌ها نیست؛ نه اینکه مادامی که در جهنم‌اند نمی‌میرند، اصلاً لا یقضي علیهم.

وی با اشاره به آیه 74 سوره «زخرف» گفت: اگر بعضی از آیات اطلاق داشته باشد که غیر کافر عنود را بگیرد البته قابل تخصیص و تقیید است - در این آیات فرمود: مجرمین دائماً در عذاب جهنم‌اند و فتور و ضعفی برای اینها نیست که عذاب از اینها تخفیف پیدا کند (این‌چنین نیست)، پس جهنم دائمی خواهد بود و اینها هم دائماً در جهنم‌اند و تفتیر، تخفیف، فتور و امثال‌ذلك نیست: لا یفتّر عنهم و هم فیہ میلسون؛ اینها میلس‌اند، غمگین‌اند، متأثرند و متأسف. فرمود: اینکه اینها دائماً در عذاب‌اند نتیجه عمل خودشان است، ما عادلیم این ظلم نیست؛ و ما ظلمناهم ولکن کانوا هم الظالمین. سرّش این است که انسان در علوم مادی ترقی کرده است؛ اما در علوم معنوی بسیار راجل است؛ اصل روح، عقیده، اخلاق، اوصاف اینها چه اندازه اثر دارد، اینها اصلاً مطرح نیست.

پاسخ شبهه ناسازگاری خلود با عدل الهی

آیت الله جوادی آملی یادآور شد: در این کریمه فرمود که ما ظلم نکردیم ما عادلیم، پس نباید گفت خب خدای عادل چگونه عذاب را تخفیف نمی‌دهد، مگر هیچ انسان عادل حاضر است که بیش از اندازه گناه انسان را این چنین کیفر کند، حتی تخفیف هم ندهد، حتی اجازه عذرخواهی هم ندهد و به او بگوید «اخصاً»؟ این عدل است برای اینکه ما هرچه کوشیدیم از آن طرف توقع عدل و رحمت داشتیم، از این طرف بحث نکردیم ببینم گناه یعنی چه و روح را چه می‌کند. اصلاً روح چیست؟ گناه چیست؟ صفت بد چیست؟ چگونه این روح را به صورت یک مار درمی‌آورند؟ از این طرف هیچ بحث نکردیم، از آن طرف چشم طمع به رحمت حق دوختیم. خدا می‌فرماید ما ظلم نکردیم: ما ظلمناهم ولكن كانوا هم الظالمين بعد همین مبتلایان به جهنم می‌گویند: و نادوا یا مالک لیقض علینا ربک قال انکم ما کثون خب اینها تمنی مرگ می‌کنند. تمنی خروج کردند جواب نفی شنیدند، گفتند اجازه بدهید ما عذرخواهی کنیم جواب «اخصاً» شنیدند، گفتند اجازه بدهید بیرون برویم اصلاح می‌شویم جواب نفی شنیدند، گفتند یک روز عذاب را تخفیف بدهید: یخفف عنا یوما من العذاب جواب نفی شنیدند، گفتند کمی شعله را کمتر کنید جواب لا یفتر شنیدند جواب لا یخفف شنیدند، سرانجام عرض کردند پس جان ما را بگیر جواب نفی می‌شنوند که اینجا مرگ نیست.

وی افزود: خب در مقابلش بهشت هم آن چنان است. سرش این است که اصلاً روح، معنای روح، عظمت روح، اطاعت و ثواب چون بحث نشد انسان تعجب می‌کند که چطور جای یک مؤمن در قیامت آن قدر وسیع است که همه اهل دنیا اگر مهمان او باشند جا دارد! این روایات بهشت است که ملاحظه می‌فرمایید. در نهج البلاغه هست که حضرت فرمود: اگر شما بدانید بهشت چه خبر است اینجا که من نشستم جمع نمی‌شوید (دور من)، می‌روید به دنبال کارهایتان که زودتر به بهشت برسید، فرمود چون نمی‌دانید آن عالم چه عالمی است (آنجا چه خبر است)، خیال می‌کنید یک دنیای خوبی است یا یک زندان بدی است (این چنین نیست). فرمود: ما ظلم نکردیم، هر چه اینها پیشنهاد دادند جواب نفی شنیدند، چون در دنیا هم هر چه انبیای ما، عقل ما، وحی ما به آنها دستور می‌دادند اینها جواب نفی می‌دادند: فنبذوه وراء ظهورهم، لذا فرمود: و نادوا یا مالک لیقض علینا ربک جوابش این است که انکم ما کثون، برای اینکه لقد جئناکم بالحق، ما حق آوردیم و شما نپذیرفتید و لکن اکثرکم للحق کارهون و امثال ذلك.

باطن گناه رشوه

این مدرس عالی حوزه در ادامه به باطن برخی گناهان از جمله «رشوه» اشاره کرد و گفت: خب در همان جریان عقیل که امیرالمؤمنین (ع) آن مسئله را مطرح می‌کند که برادر عقیل از من وامی خواست من به او وام ندادم بالأخره آهن را گذاخته کردم به او گفتم بگیر او دستش را آورد و جزعش درآمد گفتم که از آهن گذاخته‌ای که بشر آن را داغ کرد تو قدرت تحمل نداری من چگونه صبر کنم بر آتشی که جبار آن، آن را مشتعل کرد، در همان قصه یک مطلب دیگری هم هست که فرمود: من دیدم شبانه کسی آمده زیر لباسش یک ظرفی آورد که گویا حلواست، من فهمیدم برای چه منظور آورد، گفتم: اگر صدقه، زکات و امثال ذلك است که به ما نمی‌رسد و اگر منظور دیگری داری تو مخبطی (یعنی اگر به قصد رشوه آوردی تو مخبطی)، چرا؟ برای اینکه هیچ آدم عاقلی حاضر نیست که غذایی که از قی کرده افعی درست بشود بخورد.

وی افزود: خب اینکه نظیر شعر شاعران عراقی نیست که از باب «احسن الشعر اکذبه» با مبالغه همراه باشد، فرمود: این رشوه باطنش آن است (خلاصه)؛ مثل آن است که یک غذایی را افعی بخورد که یک بار از این مسیر سمّ که دهن آن است می‌گذرد، وقتی خورد دوباره این غذا را برگرداند و قی بکند (غذای تهوع شده آن هم دوبار از مسیر سمّ بگذرد)، اگر کسی آن قی کرده افعی را به صورت یک خمیر در بیاورد کسی حاضر است بخورد؟ خب یقیناً حاضر نیست، فرمود رشوه همین است، هیچ عاقلی حاضر نیست که قی کرده افعی را بخورد. خب چرا خدای سبحان درباره رباخوار فرمود: اینها در قیامت مخبط محشور می‌شوند؟ آنها که ربا می‌خورند لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلك بأنهم قالوا انما البیع مثل الربا و أحل الله البیع و حرّم الربا فرمود: رباخوار دیوانه محشور می‌شود؛ نه دیوانه نظیر مجانین تیمارستان دنیا، آنکه عذاب نیست، دیوانه چه غذایی می‌بیند مگر از سرما و گرما، از اینکه مجنون است که شرمنده نیست، بستگان او وقتی او را می‌بینند خجالت می‌کشند و گرنه خود او چون عقل ندارد شرمی ندارد؛ ولی در قیامت رباخوار می‌فهمد که دیوانه است (او می‌داند دیوانه شده است)، لذا عذابش الیم است.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: یک انسان مخبط دست به ربا می‌زند چون باطنش همین است. حضرت در آن خطبه فرمود: «أُمخبط أنت» برای اینکه یک آدم عاقل حاضر نیست این را بخورد. معلوم می‌شود گناه یک حساب دیگری دارد. ما درباره آن مرگ به بعد اصلاً بحث نکردیم، علم‌ها هرچه پیشرفت کرده نگذاشت انسان بفهمد مرگ به بعد چه خبر است، ما هم که عهده‌دار این گونه از مسائلی که کمتر درباره آن بحث می‌کنیم، چون به صرف ما نیست، باید مواظب خودمان باشیم خب سخت است، این است که هم‌ه‌اش پرداختیم به این قسمتها. فرمود که اگر شما بدانید گناه یعنی چه، روح چگونه پدید می‌شود، انسان در برابر خدا نافرمانی می‌کند چه خواهد شد و حرام و حلال چه تأثیری دارد، هرگز دست به گناه نمی‌زنید.

وجه دیوانه محشور شدن رباخوار

وی درباره علت دیوانه محشور شدن رباخوار گفت: چون هم‌ه‌اش حق است، چون آخر آن مربوط به عقل اوست، اینکه گفت: انما البیع مثل الربا آن از آن جهت که می‌گیرد و می‌دهد و پر می‌کند شکم را، منکوساً و شکم‌وارگی محشور می‌شود، از آن جهت که فکرش این است می‌گوید که ربا تجارت است [مخبط است]. بعضی از این رباخواران می‌گویند ما پولمان را اجاره دادیم! خب این فکر از یک عقل که نشأت نمی‌گیرد از یک مخبط نشأت می‌گیرد، می‌گویند پول را اجاره دادیم (صریح هم می‌گویند). خب

این کسی که اندیشه‌اش این است؛ در برابر خدای سبحان می‌گوید من همان‌طوری که خانه را اجاره می‌دهم پولم را اجاره می‌دهم این مختب است و این خبطش در قیامت ظهور می‌کند.

جلوه‌های از رحمت الهی

وی در ادامه یادآور شد: در بحث‌های قبل گذشت اگر کسی هشتاد سال کافر بود و بیش از شصت سال احکام نماز، روزه، زکات (همه و همه) به عهده‌اش بود هیچ انجام نداد، الآن مهمان اسلام است همین که شهادتین بگوید «الاسلام یجب ما قبله» همه اعمال او از او سلب می‌شود؛ مثل انسانی است که «ولدتہ امہ» نه قضای نماز دارد نه قضای روزه دارد نه قضای وجوهات شرعی دارد (هیچ)، اگر اتفاق افتاد یک لحظه بعد هم سکنه کرد و مُرد اهل بهشت است (دنیا دار تکلیف است) این خداست. آیت الله جوادی آملی در پایان این بخش گفت: مرحوم مجلسی (رض) از بعضی از بزرگان (ظاهراً از والد بزرگوار خودشان یا از بعضی از اهل معنا) نقل می‌کنند می‌گویند آنقدر خدا رحیم است که مرگ را از پا شروع کرده نه از سر - وقتی انسان می‌خواهد بمیرد که اول مشاعر او از کار نمی‌افتد که انسان عادی وقتی که در مرگ‌های عادی می‌میرد اول پا بی‌حس می‌شود - تا انسان در آن حال هم بگوید الله و پاداش بگیرد (چنین خدایی است)، آن آخرین لحظه زبان بند می‌آید و بعد از بند آمدن زبان هم باز بعضی از مشاعر کار می‌کند، در آن لحظه هم ذکر خدا مقبول است ولو توبه مقبول نیست. اینکه مرگ را از پا شروع کرده برای این است که تا آخرین لحظه رحمت کند (این خداست). حالا اگر کسی با داشتن همه این نشانه‌های رحمت؛ هم عقل را از درون خفه کرد که و قد خاب من دساتها، هم انبیا را از بیرون یقتلون النبیین بغیر حق کرد و هیچ راهی برای خود نگذاشت، خدا می‌فرماید که اگر هم برگردی باز یا پیغمبر می‌کشی یا امام: لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه .